تکثیرمضر

لاک‌پشت گوش قرمز ۳ بار در سال جفت‌گیری می‌کند و هر بار دست‌کم ۲۰ تخم می‌گذارد

عکس: ایسنا

۳۷۰ هزار تومان

امسال لاک‌پشت گوش قرمز بین ۳۵۰ تا ۳۷۰ هزارتومان خرید و فروش می‌شود. مردم بیشتر سراغ لاک‌پشت‌هایی مینیاتوری رفته و به عنوان حیوان خانگی در آکواریوم‌های خود نگهداری می‌کنند

افزایش جمعیت «لاک‌پشت‌های مهاجم» در استان‌های شمالی، مرکزی، اصفهان و تهران، به مرز هشدار رسیده است

لاک‌پشت گوش قرمز، خطرناک‌تر از نینجا

حذف فیزیکی این گونه مهاجم به دلیل آسیب زدن به اکوسیستم و پیکره‌های آبی این مرز و بوم امری ضروری است

تیتریک

بیتا میرعظیمی
خبرنگار

سال‌هاست که هزاران قطعه لاک‌پشت گوش قرمز، همراه با ماهیان زینتی به کشور قاچاق شده و همانند یک حیوان خانگی مورد استقبال قرار می‌گیرد. مردم این حیوان نیمه آبزی دوست داشتنی را این روزها با قیمتی حدود ۳۵۰ تا ۳۷۰ هزار تومان خریداری کرده و در آکواریوم نگهداری می‌کنند. مدتی بعد نیز خسته شده و بی‌آنکه خبری از هویت مهاجم و آسیب رسان این گونه بومی امریکایی داشته باشند، در طبیعت رهایش می‌کنند. فاجعه درست از همینجا آغاز می‌شود! این حیوان با ورود به زیستگاه‌های تالابی و رودخانه‌ای کشور، به سرعت خود را با محیط سازگار کرده و رقابت با گونه‌های بومی را آغاز می‌کند. لاک‌پشت گوش قرمز، آنقدر می‌جنگد تا تمام گونه‌های بومی را حذف کرده و با اشغال زیستگاه و منابع تغذیه‌ای آن‌ها، بر گستردگی قلمروش بیفزاید. این گونه مهاجم، ۳ بار در سال جفتگیری کرده و هر بار دست‌کم ۲۰ تخم می‌گذارد. این سرعت بالای تکثیر، قدرت تهاجمی و مخرب این گونه به ظاهر آرام و دوست داشتنی را نمایان‌تر می‌کند. اگرچه چندین دهه از ممنوعیت ورود این حیوان مهاجم به کشور می‌گذرد و طی این مدت نیز بارها مسئولان نسبت به رهاسازی آن در طبیعت هشدار داده‌اند، اما مردم بی‌خبر از عمق فاجعه همچنان به خرید و فروش این حیوان خانگی مشغولند. بازار قاچاق نیز که همچنان داغ است! حالا هم افزایش جمعیت لاک پشت گوش قرمز در استان‌های شمالی (مازندران و گیلان)، مرکزی، اصفهان، تهران و طالقان، به مرز هشدار رسیده و زنگ خطر تخریب اکوسیستم‌های آبی کشور را بلندتر از همیشه به صدا درآورده است!

سرعت بالای تکثیر

«حسین علی نژاد» رئیس اداره حفاظت محیط زیست گیلان، با اشاره به مشاهدات جمعیتی این گونه مهاجم در تالاب عینک گیلان به «ایران» می‌گوید: لاک پشت گوش قرمز، زادآوری بسیار بالایی داشته و با افزایش جمعیت، تغذیه‌اش نیز بیشتر می‌شود. این گونه به دلیل گوشتخوار بودن عمدتاً از لاروها و تخم‌های ماهی‌ها تغذیه می‌کند. این حیوان مهاجم با شرایط محیطی به خوبی سازگار شده و همین امر جا را برای دیگر گونه‌های بومی در زیستگاه‌های آبی تنگ‌تر خواهد کرد.

رئیس اداره حیات وحش حفاظت محیط زیست گیلان، با اشاره به لزوم حذف سریع این گونه مهاجم از چرخه زیستی کشور، می‌گوید: برای خلاصی از آسیب وارده باید نظر واحد و روشن از سوی سازمان محیط زیست اتخاذ و ابلاغ گردد. همچنین باید مردم بومی را نسبت به خطرات رهاسازی آن در طبیعت آگاه کرده و همزمان مشوّقی نیز نسبت به جمع‌آوری آن از سوی مردم در نظر گرفته شود. به‌طور مثال می‌توان برای جمع‌آوری و تحویل هر لاک پشت گوش قرمز مبلغی پاداش درنظر گرفت. مردم باید بدانند که موجود آکواریومی جایی در طبیعت نداشته و با رهاسازی، مخاطرات اکوسیستم‌های طبیعی و آبی را دوچندان خواهند کرد.

بازار خرید و فروش داغ است!

«محمد مه رو» کارشناس ارشد محیط زیست، علت اصلی قاچاق لاک‌پشت گوش قرمز به کشور را نگهداری خانگی آن در آکواریوم‌ها و رهاسازی ناآگاهانه آنها به طبیعت دانسته و به «ایران» می‌گوید: این گونه مهاجم به دلیل وجود خوی تهاجمی بر دیگر زیستمندان چیره شده و بقای آنها را با خطر کاهش جمعیت و در فرایندهای طولانی‌تر با احتمال افزایش انقراض مواجه می‌کند. هم‌اکنون این گونه مهاجم و گوشتخوار در تالاب عینک رشت، تالاب انزلی، استخر لاهیجان و تالاب کیاکلایه لنگرود مشاهده شده است. او با خوردن لارو ماهیان و دیگر منابع غذایی که در اختیار ماهیان و لاک‌پشت‌های بومی قرار دارد، با ایجاد رقابت غذایی بر سر منابع عرصه را بر گونه‌های بومی تنگ کرده و جمعیت آنها را روز به روز کمتر و کمتر می‌کند.

او می‌گوید: در حال حاضر هیچ شواهدی مبنی بر چگونگی قاچاق این گونه به کشور وجود ندارد، اما حدود ۳ سال پیش محموله قاچاق ۲ هزار لاک‌پشت گوش قرمز در کردستان سروصدای بسیاری به پا کرد. مجوز ورود گونه‌های حیات وحش بر اساس ضوابط ملی و بین‌المللی می‌بایست توسط سازمان حفاظت محیط زیست صادر شود. به همین دلیل بسیاری از قاچاقچیان از مبادی غیررسمی این گونه را به کشور قاچاق می‌کنند. این گونه اغلب در آکواریوم فروشی‌ها و پت شاپ‌ها و برخی صفحات اینستاگرامی که اساساً کارشان قاچاق حیات وحش است به فروش می‌رسد. همچنین همزمان با فروش ماهی قرمز در سفره‌های عید نوروز، طی سال‌های گذشته شاهد خرید و فروش انواع آبزیان نظیر مار آبی، سمندرها و لاک پشت‌ها هستیم که لاک پشت گوش قرمز نیز به فروش می‌رسد و خریداران به علت ناآگاهی و مناسب نبودن شرایط نگهداری از گونه با این تصور که رهاکردن آن در طبیعت بهتر از نگهداری در اسارت است، گونه‌ای غیر بومی را در یک بوم سازگان یا اقلیم متفاوت رهاسازی کرده و مشکلات اساسی پس از این اقدام در طبیعت آغاز می‌شود.

رهاسازی گونه مهاجم در طبیعت ممنوع!

طبق گفته این کارشناس ارشد تنوع زیستی، فارغ از بحث حقوق حیوانات در گونه‌های مهاجم، حذف فیزیکی لاک پشت گوش قرمز به دلیل آسیب زدن به کل اکوسیستم‌های کشور و پیکره‌های آبی این مرز و بوم امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. سازمان حفاظت محیط زیست باید برای حفظ تنوع زیستی مناطق تحت سیطره این گونه، ورود کرده و با بهره‌گیری از توانایی‌های نیروهای بومی و صیادان و بهره‌گیری از انواع تورآلات صیادی، اقدام به صید و حذف فیزیکی آن کنند. جوامع محلی و بومی اطراف این اکوسیستم‌ها باید درباره تبعات حضور این گونه مهاجم در اکوسیستم‌های آبی آموزش دیده و به محض مشاهده آن را حذف کرده و یا از پیکره آبی جدا کنند. همزمان یگان حفاظت محیط زیست با پیگیری‌ها و سرکشی‌های مداوم بر خرید و فروش این گونه نظارت داشته و با انتشار انواع بروشور و...، عموم شهروندان بویژه جوامع محلی حاشیه تالاب‌ها را نسبت به خطرآفرین بودن رهاسازی لاک پشت گوش قرمز در طبیعت آگاه کنند. مردم باید بدانند که نباید این گونه مهاجم را در طبیعت رها کنند؛ زیرا که رهاسازی آن، نفس دیگر زیستمندان آبی را تنگ و تنگ‌تر خواهد کرد!

«علی ح» یکی از آکواریوم فروش‌های آب شیرین در نواب تهران است. او با اشاره به بازار داغ خرید و فروش این حیوان مهاجم همزمان با حال و هوای عید نوروز، به «ایران» می‌گوید: امسال این گونه بین ۳۵۰ تا ۳۷۰ هزارتومان خرید و فروش می‌شود. مردم بیشتر سراغ لاک پشت‌هایی مینیاتوری رفته و به عنوان حیوان خانگی در آکواریوم‌های خود نگهداری می‌کنند. یکی دیگر از فروشندگان آکواریوم آب شیرین در کرج که نخواسته نامش فاش شود به «ایران» می‌گوید: چند سالی است که وزارت بهداشت خرید و فروش این حیوان را ممنوع کرده است اما مگر کسی توجه می‌کند! به راحتی می‌توان به هر آکواریوم فروشی سر زده و این حیوان را خریداری کنید. بهتر است نظارت بر قاچاق این حیوان آسیب رسان تشدید شده و خرید و فروش آن نیز ممنوع شود. شاید بتوان با این اقدامات حداقلی، بخش مهمی از پیکره آبی این مرز و بوم را نجات داد!

گفت‌وگو با جنگلبان نمونه کشوری که چوپانی را از دهان خرس بیرون کشید

نجات کلاغ سفید از چنگال سگ‌های ولگرد

جنگلبان یعنی سرباز خط مقدم و مدافع از جان گذشته طبیعت. من هم به واسطه همین عشق و علاقه‌ام هر روز با یک کوله پشتی برای حفظ و صیانت از محیط زیست و منابع طبیعی و آبخیزداری به عرصه‌های جنگلی و مناطق صعب‌العبور برای سرکشی می‌روم

گزارش دو

حمیده گودرزی
خبرنگار

مگر می‌شود بارها و بارها تا سرحد مرگ از سوی خاطیان محیط زیست و منابع طبیعی مورد ضرب و شتم قرار بگیری اما کوچکترین ترسی به دل راه ندهی؟ با کمترین دستمزد و امکانات هر روز قبل از سپیده دم تا پاسی از شب و گاهی هم شب تا صبح در سوز و سرمای زمستان و گرمای بی‌حد و حصر تابستان کیلومترها در دل کوه‌های صعب العبور و جنگل‌های انبوه راه بروی تا مبادا شکارچیان و قاچاقچیان چوب موفق به شکار حیوانات و تخریب جنگل‌ها شوند. مردی که نمی‌تواند شاهد حمله حیوانات گرسنه به چوپانان و در راه ماندگان باشد و دست از جان نشوید و نجات‌شان ندهد.... درست است، اگر عاشق کار و طبیعت نباشی تاب این همه سختی را نخواهی داشت و از نیمه راه برخواهی گشت اما همه اینها کارهای روزمره «حسینعلی عسگری دشتکی» است که به تازگی از بین صدها جنگلبان کشور و از بین ۶ شهرستان چهارمحال وبختیاری به‌عنوان جنگلبان نمونه معرفی شده است.

او که ۵۰ بهار از عمرش گذشته، اهل روستای دشتک و دارای همسر و سه دختر است و از ۶ سال پیش تاکنون نیز به‌عنوان نیروی پیمانی و در سمت جنگلبان در اداره حفاظت از محیط زیست و مراتع شهرستان اردل از توابع چهارمحال و بختیاری مشغول به کار شده است. تفریح حسینعلی در نوجوانی شکار رفتن با دوستانش بوده. به «ایران» درباره آن روز که به همراه دبیر و همکلاسی‌های کلاس اول دبیرستان خود به ارتفاعات ملی استان چهارمحال و بختیاری رفته می‌گوید: «در آنجا با چند شکارچی غیرمجاز روبه رو شدم. در طی مسیر با آنها که تعداد زیادی کبک به همراه جوجه‌هایشان را شکار کرده بودند هم صحبت شدم و وقتی از زبان آنها شنیدم که کوه‌ها و جنگل‌های کشور مملو از حیوانات و گیاهان نایاب و با ارزش است که به‌دست افراد خاطی در معرض خطر انقراض هستند، تصمیم گرفتم تا سهمی در حفظ و نگهداری محیط زیست و طبیعت کشورم داشته باشم و از آن زمان هرکاری که در این راستا از دستم بر می‌آمد انجام می‌دادم.»

او که فارغ التحصیل رشته جغرافیا بوده و هم‌اکنون دانشجوی ارشد همین رشته نیز هست می‌افزاید: «بعد از پایان دوران کارشناسی به‌عنوان نیروی پیمانی جذب اداره محیط زیست اردل شدم و از آن زمان هم یک لحظه از عشقم به طبیعت کاسته نشده است. حقوقم پایین است. امکانات کمی در اختیار داریم. هر روز با خطرات زیادی روبه رو می‌شویم اما خدا را شکر از شغلم، زندگی و خانواده‌ام بطور کامل راضی هستم.

شغل جنگلبانی به عشق به طبیعت و شجاعت و جسارتش است. در غیر این صورت امکان فرسودگی زود هنگام شغلی و پشیمان شدن وجود دارد. چون یک جنگلبان ممکن است هم در معرض خطرات طبیعی مانند ریزش کوه و حمله جانوران وحشی قرار گیرد و هم با خطر قاچاقچیان چوب و شکارچیان غیر مجاز روبه‌رو شود. جنگلبان یعنی سرباز خط مقدم و مدافع از جان گذشته طبیعت. من هم به واسطه همین عشق و علاقه‌ام هر روز با یک کوله پشتی برای حفظ و صیانت از محیط زیست و منابع طبیعی و آبخیزداری به عرصه‌های جنگلی و مناطق صعب‌العبور از جمله دهدلی، باد دره، لیزیمه، چهار بنیچه، دینداران و آبشار زردلیمه که دهها هکتار است برای سرکشی می‌روم. حتی همسر و سه دخترم از علاقه‌مندان به طبیعت هستند.

همسرم هر شب کوله پشتی‌ام را بررسی می‌کند وسایل مورد نیازم را به همراه آذوقه و آب در آن می‌گذارد و برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی کارهای فرهنگی بسیار می‌کند. دخترانم هم همیار طبیعت هستند و هرازگاهی همراه مادرشان عده‌ای را برای پاکسازی طبیعت گرد هم می‌آورند. در واقع همین تعاملاتم با طبیعت و مردم است که باعث شد با بیش از ۳۰۰ پرونده خوشنامی در کارم، باز هم بین صدها جنگلبان و شش شهرستان در چهار محال و بختیاری به عنوان جنگلبان نمونه معرفی شوم.»

خاطرات تلخ و شیرینی در ذهنش تداعی می‌شود: «بخوبی در خاطر دارم که در سال ۹۹ در عرصه مرتعی منطقه با چوپانی که همراه گله‌اش از آن منطقه گذر می‌کرد روبه‌رو شدم که ناگهان یک خرس از مقابل من بلند شد و با پنجه چوپان را از ناحیه کتف مجروح کرد.

در همین حال من هم به کمک چوپان دویدم و با ایجاد سر و صدا خرس را از منطقه دور کردم و سپس با کمک نیروهای امدادی هلال احمر او را به بیمارستان رساندیم. البته یکبار دیگر هم چوپانی را که از سوی یک خرس گرسنه از ناحیه شکم بشدت مجروح شده بود نجات دادم. خدا را شکر هر دو آنها سالم هستند.» او می‌گوید: «در یکی از ارتفاعات سخت گذر و صعب‌العبور گروهی از کوهنوردان زن و مرد را دیدم که راهشان را گم کرده و از فرط تشنگی بی‌حال روی تخته‌سنگ‌ها افتاده بودند. بلافاصله به آنها کمک کردم. آب معدنی و آذوقه‌ای که در کوله پشتی‌ام داشتم به آنها دادم و بعد هم راه را به آنها نشان دادم. همین چند وقت پیش هم موفق شدم کلاغ سفیدی را که نایاب نیز هست از چنگ سگ‌های ولگرد نجات دهم. کلاغ سرش در کیسه پلاستیکی که مقداری لاشه مرغ در آن قرار داشت گیر کرده بود و سگ‌های ولگرد نیز او را محاصره کرده بودند. من هم با شنیدن پارس سگ‌ها کنجکاو شدم و به سمت آنها رفتم و بلافاصله با مشاهده کلاغ نگون بخت آن را از چنگ سگ‌های ولگرد نجات دادم.»

حسینعلی خاطره تلخ هم دارد: «چند سال پیش به من خبر رسید که عده‌ای قصد قطع درختان جنگل را دارند. من هم پس از مطلع کردن نیروی انتظامی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی به محل رفتم. قاچاقچیان که دو نفر از آنها را نیز از قبل می‌شناختم به من حمله کردند و مرا زیر مشت و لگد قرار دادند. پس از دزدیدن دوربین و وسایلم نیز مرا در همان حال رها کردند که مدتی بعد مأموران به محل رسیدند و مرا به بیمارستان انتقال دادند.»

به بهانه برگزاری جشنواره بین‌المللی صنایع دستی فجر

خلق کلیدواژه‌های جدید در ادبیات صنایع دستی

یادداشت

امید مستوفی‌راد
دکترای جغرافیای سیاسی
پژوهشگر صنایع دستی

عصر پنجشنبه چهارم اسفندماه سال جاری مراسم اختتامیه هفتمین جشنواره بین‌المللی صنایع‌دستی و هنرهای سنتی (سرو سیمین ۷) در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد؛ اختتامیه‌ای که شروع نمایشگاهی و برنامه‌های جنبی آن از تاریخ ۲۶ بهمن در موزه ملی ایران با نمایش آثار منتخب، سخنرانی‌ها و بسیاری برنامه‌های جانبی از جمله برنامه‌های آموزشی آغاز شده بود. هفته‌ای متفاوت نسبت به سال‌های گذشته که هم جنبه بین‌المللی داشت و هم منظم‌تر و شکیل‌تر از سال‌های قبل پذیرای مخاطبان خاص و عام بود. به نظر می‌رسد امید به تحول و امیدواری به رویکردهای جدید، توجه به نیازهای واقعی و دغدغه هنرمندان، همراه کردن بخش زیادی از حاکمیت برای درک درست از چالش‌های اقتصادی در حوزه صنایع‌دستی و تلاش برای برداشتن موانع آن، احترام و حفظ ارزش‌های معنوی صنایع‌دستی و از همه مهم‌تر شنیدن صدای بی‌ریای هنرمندان و صنعتگران، حضور حداکثری این خانواده بزرگ از تمام اقصی‌نقاط کشور را در برج میلاد تهران موجب شده بود.

آنچه در این یادداشت کوتاه می‌خواهم به آن برسم، ارزیابی کمی یا کیفی این رویداد نیست. اگرچه به قول وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی {در مراسم اختتامیه این جشنواره} که می‌گوید: این برنامه تمام و کمال نیست و قطعاً نقص‌هایی را هم می‌شود بر آن گرفت، اما شاید بتوان گفت حال و روز خانواده بزرگ صنایع‌دستی را آن‌هم در این مقطع از شرایط اقتصادی و سیاسی کشور تا حدی بهتر کرد.

در طول ۹ ماه گذشته که سکان صنایع‌دستی و هنرهای سنتی کشور به دوش «مریم جلالی دهکردی» گذاشته شده است، شاهد ادبیات ویژه‌ای در بافتار این معاونت بودیم. ادبیات و کلیدواژه‌هایی که به نظر می‌رسد سال‌ها در پستوی هزار توی این عمارت گم شده بودند و امروز کورسویی از روشنایی را در وجود این خانواده بزرگ به نمایش گذاشته‌اند. تصور کنید یک شیء گرانبها سال‌ها در گوشه‌ای گردوغبار فراموشی و کم‌توجهی بر آن نشسته باشد و هرکس بنا بر مصلحت و نیاز خود در شرایطی که منفعتش ایجاب کند سخنی در اهمیت آن بر زبان براند و همین که راهش و مسیرش هموار شد، آن را به بوته فراموشی بسپارد، چراکه متأسفانه از ارزش واقعی و ملموس آن برای جامعه و نتایج بسیار ارزشمند آن به درستی آگاه نیست.

یکی از این کلیدواژه‌ها که در ادبیات معاون جدید صنایع‌دستی و هنرهای سنتی بسیار و به تکرار استفاده می‌شود، «تقویت توجه» است. صنایع‌دستی ایران نیاز به تقویت توجه به صورت جدی دارد. به اعتقاد بنده هنوز در ساختار اقتصادی کشور جدای از شعارها و برنامه‌های دولتمردان و سیاسیون آنگونه که باید، دیده نشده است. نه اینکه وجود نداشته باشد، وجود دارد اما مانند همان شیء گرانبها سال‌ها است که گردوغبار فراموشی بر آن نشسته و کسی از اهمیت آن به طور واقعی و بنیادی با خبر نیست و هر چه هست تنها کلمه، واژه و شعار است و لاغیر. هفتمین جشنواره بین‌المللی صنایع‌دستی و هنرهای سنتی فجر بخصوص برنامه اختتامیه آن در برج میلاد تهران به ما یادآوری کرد طی سالیان گذشته چقدر این هنر صنعت در محاق بی‌توجهی فرو رفته بود و چقدر کلیدواژه تقویت توجه برای صنایع‌دستی و هنرهای سنتی در نجات صنایع‌دستی از برخی قوانین دست و پاگیر می‌تواند راهگشا باشد.

امروز اما بر این باورم که ادبیات تازه‌ای در ساختار و مفاهیم صنایع‌دستی و هنرهای سنتی در حال شکل‌گیری است که راهی جدید و سرآغازی نو را برای شکستن قوانین و قواعد گذشته که دستاورد چندانی نداشته فراهم کرده است. اعتقاد و البته ایمان به حصول نتیجه و سپس پای گذاردن در راه، آن‌هم در چهارچوب تغییر در زیرساخت‌های مفهومی و ادبیات نگرشی، قطعاً به نتیجه روشنی منتج می‌شود که سبب آرامش خود، تقویت جامعه و طیف مخاطبان هنری نیز خواهد شد.

حضرت عطار نیشابوری می‌فرماید: تو پای به راه در نه و هیچ مپرس / خود راه بگوید که چون باید رفت

به هر حال این روزها به نظر می‌رسد به‌رغم همه مشکلات و مسائل موجود در حوزه صنایع‌دستی و هنرهای سنتی، شاهد ادبیات و کلیدواژه‌های جدیدی در این حوزه هستیم که چشم‌انداز روشنی را برایمان در روزهای پیش‌رو نوید می‌دهد. صنایع‌دستی خانواده‌محور است، «حکمت پایه» و مردم‌رفتار و اقتصاد آن هویت‌بنیان است و بسیار نیاز به تقویت و توجه دارد. صنایع‌دستی و هنرهای سنتی پیام‌آور قدرت نرم هنری است. باشد که چنین باد.

امروز بر این باوریم که ادبیات تازه‌ای در ساختار و مفاهیم صنایع‌دستی و هنرهای سنتی در حال شکل‌گیری است که راهی جدید و سرآغازی نو را برای شکستن قوانین و قواعد گذشته که دستاورد چندانی نداشته فراهم کرده است